

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اشعار لاهوتی قطعه ها و منظومه ها
فرستنده : جاوید
۱۰ اکتوبر ۲۰۱۸

پاداش مردی

من مُرَم نامم بماند، او مُرَد – کامم برآید
باید از تن جان من یا از وطن دشمن برآید
شاهد اقبال، چون پاداشِ مردی در برآید
اوقتد از تیغ با تیغ آنکه در این کشور آید
جز تو ای خر، کی به میدان چنین مرز شجاعت پرور آید؟
بلعد آن را خاک ما، به ضدوی گر اژدر آید
تا وطن فاتح شود بر دشمن نسل کاوه آهنگر آید
مردی این مردمان را بین لشکر آید
گر کسی افتد به جایش خواهر آید
تا که می دیدیم: کار ما پسند رهبر آید
شبهه نبود: عید اندر کوچۀ ما هم در آید

تیغ، باید خون فشاند، کار با دشمن سرآید
زندگانی نیست دشمن را به مُلک خویش دیدن
کار می باید نه زاری، رنج باید نی شکایت
گو به هیتلر، امتحان لازم نُبُد، تاریخ گوید:
گوش و دم دادی، دهی جان را هم آخر
سوزد او را جنگل ما، دیو اگر تازد به سویش
اژدر فاشیسم، لرزان شو، که بر سرکوبی تولشکر تاجیک
از هر سو پیایی تانک آید، توپ آید، نعمت آید
که در میدان از آنها بی برادر
کاشکی، یک لحظه هم باشد لنین می دید ما را
ما که لشکرگش به سر داریم مانند ستالین

ستالین آباد، جنوری ۱۹۴۳